

## ضمیمه فحشنامه تکمیلی

### نامردان

امیرفیض- حقوقدان

تحریری که تحت عنوان فحشنامه تکمیلی تقدیم گردید متأسفانه همراه کمبودی بود که ادای حق مطلب را بسیار فرسوده ساخت و اکنون با تعجیل، به اصلاح و استحکام آن پرداخته میشود

#### نارسائی و کمبودها

نارسائی قابل توجه و تاسف بار، ارایه کارنامه و کلکسیون فحاشی ها و اتهامات نامردان نامه هشدار، به اعلیحضرت رضاشاه دوم است که تحت عنوان تازه ترین کلکسیون فحاشی ها عنوان شده بود درحالیکه کلکسیون مزبور، آخرین و تازه ترین کلکسیون فحاشی ها و اتهامات نبوده است و اتهامات و فحاشی های ذکر شده در آن تحریر که در ذیل هم مجدداً به آن اشاره میشود مربوط به مصاحبه ها و بیانیه های گذشته بوده و نمیتواند آخرین و کاملترین کلکسیون فحاشی ها شناخته شود.

۱- دشمنی با موجودیت ایران - ۲- دشمنی باملت ایران ۳- مرگ پیرشاه ۴- بیکاره ۵- شارلاتان  
۶- احمق ۷- کوتاه بین ۸- بیسواد ۹- پول پرست ۱۰- خائن ۱۱- بی شرف ۱۲- بی آبرو ۱۳-  
مفتضح ۱۴- پشه ۱۵- عروسک ۱۶- حقه باز ۱۷- غیرقابل اعتماد (کلکسیون اول)



۱۸- دروغگو- ۱۹- خمینی دوم ۲۰- کسی که چاره ای جز کوبیدن سرخودش رابه دیوار ندارد ۲۱-  
فضولات انسان ۲۲- نالایق ۲۳- بدجنس ۲۴- ازبابت غرور، خدا ۲۵- درود بر مردمی که درفیس  
بوک به رضا پهلوی توهین میکنند (از کلکسیون دوم) --- (۲۶/۱/۲۰۱۷)



۲۶- رضا پهلوی پشت به میهن کرده ۲۷- کجرو و ناتوان ۲۸- جیره خوارشیوخ عرب ۲۹- شاه  
سلطان حسین ما ۳۰- آزادگان برویش تف انداخته اند. (از کلکسیون سوم) (۲۴/۰۳/۲۰۱۷) مستند-  
نامه آبرامیان نفر اول لیست نامه هشدار).

#### مجموعه کلکسیون فحاشی ها

بنابراین با عذرخواهی از اشتباهی که درتحریر تکمیل فحشنامه روی داده بود، کلکسیون فحاشی ها و اتهاماتی که ازسوی کسانی که درلباس سلطنت طلبی متوجه اعلیحضرت ساخته اند تا این تاریخ و تا آنجا که در دسترس تحریرات بوده است بشرح موارد کلکسیون اول و دوم و سوم در ۳۰ واحد خواهد بود و

مزید تشکراست، از خوانندگان این سطور که اگر با اتهامات و دشنام های غیر موارد یاد شده به اعلیحضرت از سوی نامردان نامه هشدار روبرو شدند بر آن کلکسیون اضافه کنند و نگارنده این تحریرات را هم بی بهره نگذارند.

## خود داوری

خوانندگان محترم این تحریر، بیک خود داوری دعوت میشوند و آن پاسخ به این پرسش به وجدان خودشان است که آیا از سابقه ای خبردارند که حتی یک آدم بی سرو بی پا، شرور، ولگرد و معروف به بد دهنی ظرف مدت سه ماه اینهمه فحش و اتهامات سنگین و بد دهنی های کم سابقه متوجه یک شخصیتی یاحتی به کسی مانند خودش لات و بی غیرت و بی ناموس کرده باشد؟ و اگر وجدان شما پاسخ این سوال را نیافت، بدانید که این برنامه تحقیر اعلیحضرت یک برنامه خاصی است که با این شدت وحدت ادامه دارد و مجریان آن، بی پروا ترین و بی حیثیت ترین ایرانیان برای پیشبرد آن برنامه در لباس سلطنت طلبی و سینه نماد ملی زدن را دعوت به کار کرده اند.

## کمیودها

مقصود از کمیودها در این تحریر، این است که در تحریرات سابق نسبت به برخی از اتهامات و فحاشی های نامردان گفتگوهایی ارائه شده و این کار معمول، در اتهاماتی که بوسیله نفر اول لیست نامردان متوجه اعلیحضرت شده و شامل ردیف های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ است نگردیده و اکنون این کمیود جبران میگردد.

**\*\*** نامه نفر اول لیست ۵۰ نفره نامردان با عبارت زیر شروع شده است:

۱- رضاپهلوی پشت به میهن کرده و جیره خوار شوخ عرب

۲- آزادگان ایران به رویش تف انداختند

۳- ولی پسرش را شایسته تف کردن هم نمیدانم

مخاطب نامه، رضاپهلوی است. که متهم شده به پشت کردن به میهن (ردیف یکم) و آزادگان به رویش تف انداخته اند (ردیف دوم) که عطف میشود به همان رضاپهلوی که مخاطب نامه قرار گرفته است.

ولی در فراز سوم نامه که نوشته شده <پسرش را شایسته تف کردن هم نمیدانم> رضا پهلوی که پسر ندارد که این نامرد او را شایسته تف کردن هم نمیداند؟

**حاشیه** = در تحریرات (اصول مفقود ادعا موجود) که در رابطه با محکمه صحرانی و نامه هشدار تدارک

شد در یکی از آنها تحت عنوان <سفاهت تابینهایت آبرامیان> دلالتی بر سفاهت و جنون ادواری او ارائه گردید. همین مسئله فوق نشان از عود سفاهت و جنون اوست والا همه میدانند که اعلیحضرت پسر ندارد

خود او هم میدانند ولی عود جنون و حالت ادواری آن، تحصیل حاصل، از توهم و خیال میکند، نه واقعیت و یا دانستی های سابق (پایان حاشیه)<sup>۱</sup>

## علائم بیشتری از جنون ادواری

نامرد ردیف یک در نامه اش نوشته است:

بزرگترین کژرفتاری و کم کاری آریامهر این بود که این دین اهریمنی را ریشه کن نکرد و بجای ریشه کن کردن این دین بیابانی ایرانسوز ۵۰ هزار مسجد در ایران بنا نهاد (۱) و به زیارت آن اهرمن کده بزرگ در مکه و به زیارت اهرمن کده دیگر در مشهدرفت و یک عرب برآمده از لجنزار خانواده پیامبر بنام عباس را پشت و پناه خود بشمار آورد. (از نامه نامرد ریف اول)

(۱) در زمان شاهنشاه آریامهر ۹۵۰ مسجد جدید و در مقابل ۱۰،۷۰۰ مدرسه یعنی ۱۷ برابر و ۵۰۰۰ حمام عمومی و ۷۳۰۰ ورزشگاه ساخته شد (پایان) (تاکورشود هرآنکه نتواند دید)

در چند سطر پائین تر همان نامه نوشته است: <کاری به خاندان پهلوی ندارم من خود را سرباز اندیشه ها و جهان بینی رضاشاه بزرگ و آریامهر بزرگ میدانم و اگر آریامهر زنده بود من جان فدایش میکردم ولی پسرش را شایسته تف کردن هم نمیدانم.

تعارض در اظهارات نامرد ردیف اول نیاز به توضیح ندارد، نمیشود ریشه کن کردن اسلام و ساختن مسجد و زیارت مکه را که نامرد ردیف اول به حساب بزرگترین کژرفتاری های آریامهر گذاشته و در همان نامه خود را سرباز اندیشه های آریامهر معرفی کند آنهم در حد جان فداکردن.

این مانند آن است که انسان دزدی و جنایت را محکوم کند، معهذاً جان خودش را فدای دزد و جنایتکار معرفی کند.

این تعارض ناشی از عود دیوانگی ادواری است و الا هرکس با هر قدر اطلاعات سطحی میدانند که انسان ها مجموعه ای از اندیشه اند و نمیشود کسی با اندیشه دیگری مخالف باشد ولی جان فدایش کند ولی دیوانه و یا از انواع ادواری آن این روشنی را درک نمیکند. تصمیم و افکارش آنی است نه از باب تعقل.

## بشت به مبین گوده

این اتهام ناجوانمردانه رادر حالی نامرد ردیف اول متوجه اعلیحضرت ساخته است که خودش در یک برنامه تلویزیونی که میلیونها ممکن است آنرا دیده باشند ضمن محکوم کردن قانون اساسی مشروطیت و بدیل دانستن آن با چرک و خون گفته است:

۱- عبارات مورد استناد گویای مطلب نیست و موضوع را متوجه رضا پهلوی میسازد.

وقتی میگوئیم ایران، چه چیزی در اندیشه ما رخ میدهد؟ اگر کوه های ایران نام آرش را با خود نداشته باشد آیا ارزشی دارد که برایش جان فشانی کنیم من ابرامیان میگویم؛ نه



اگر خاک سیستان و بلوچستان نتواند یاد رستم و سیمرغ رادردل‌های مازنده کند؛ آیا ارزش بیشتری از خاک هندوستان برای من دارد؟ من میگویم نه



اگر خراسان بوی خوش فردوسی راندهد چه ارزش بیشتری از خاک ترکمنستان را دارد؛ من میگویم هیچ



اگر آبهای دریای فارس (خلیج فارس) نام داریوش و فرمانده نیروی دریایی شاهنشاهی ایران آن زمان را نداشته باشد چه ارزش و تفاوتی دارد با آب خلیج اسکندریه، من میگویم هیچ

آیا کسی میتواند به چنین آدمی عنوان عاقل بدهد؟ میتواند صلاحیت ایرانی بودن بدهد؟ آیا اصلاً میتوان چنین آدمی را از نظر منطق ایرانی بودن، ایرانی شناخت و در نهایت به او میدان کار سیاسی داد؟ در اظهارات او کمی غور کنید خواهید دید که تاکنون در تمام عمرتان نه جانی این عبارات را خوانده اید و نه از هیچ بی وطن احمقی این چنین یاوه گویی ها را شنیده اید؛ الا از نامرد ردیف اول.

حتی خمینی و ملاهای ایران که اهمیتی برای ایران قائل نیستند با این آب و تاب ایران و ایرانی بودن را محکوم نکرده اند که این نامرد ردیف اول کرده است.

### تبعات یاوه گوئی

تصور نکنید که تبعات یاوه گوئی او به همان مسائل فوق الذکر محدود شده است خیر دیوانه وقتی آزاد بود کارها کند که <عقل عاجز ماند و روزگار عقلا تباه شود که سیل خون روا باشد>.

نامرد ردیف اول در همین نامه اخیرش نوشته است:

<نبرد من یک نبرد فرهنگی است من با آخوند نمی رزم من با الله – رسول و توده لجنی بنام قرآن می رزم..... من و هم‌زمانم به قرآن و الله و محمد تف میاندازیم و پیشاب خود را با او راق قرآن پاک میکنند

این عبارت نامرد ردیف اول را بهر روانشناسی نشان بدهید بدون نیاز به معاینات بیشتری خواهد گفت یک دیوانه رنجیری است که وجودش برای بشریت خطرناک است و دلیل آن روانشناس هم میتواند این باشد که:

### دلیل دیوانگی محض

امروزه ۲۸ کشور از کشورهای جهان شعار ملی آنها از نام خدا الهام میگیرد مانند آمریکا که شعار ملی آن کشور (مابه خدا ایمان داریم) هست و یا دانمارک که شعار ملی اش (کمک خدا و عشق مردم قدرت دانمارک است) - ایران شاهنشاهی (مرا داد فرمود و خود داور است) شعار عراق (خدا بزرگ است) اسکاتلند (خدا از من دفاع خواهد کرد) مراکش (خدا - میهن - پادشاه)، عربستان سعودی... ووووو

(اقتباس از نظریه موسسه رانمید تراست انگلستان در ۱۹۹۷)

در تطبیق مورد، نامرد ردیف یک، به شعار ملی ۲۸ کشور و دومیلیارد مردم دنیا که با کلمه الله و خدا همراه است میجنگد و به آن تف میاندازد و نام خدارا با پیشاب خودش میآلاید.

چه کسی میتواند به این مدعی عنوان دیوانه ندهد؟ ناخدایان یا بی خدایان، یک گروهی هستند که از طریق منطق، اثبات وجود خدارا به چالش کشیده اند ولی محال است موردی پیدا شود که آنها الله را در ردیف ادرار و پیشاب و هدف تف اندازی قرار دهند؛ که در تطبیق و تشبیه مورد میشود به صورت میلیارد ها مردم جهان که اکثریت قریب به باتفاق خدانشناس هستند تف میاندازد. واقعا وحشتناک است این دیوانگی، آیا به این حرکت ها و اظهارات میتوان عنوان کارسیاسی داد؟ ابداء، ابداء، کارسیاسی باید از منطق و حکمت و عقل و نص الهام بگیرد نه از احساسات و گنده گوییها.

جامعه بشریت امروز تف انداختن بر زمین را محکوم میکند و برای آن قائل به مجازات نقدی است چگونه میتوان از تف انداختن بر روی خدا و قرآن و محمد و در نهایت دین میلیارد ها مردم جهان را با ادرار و پیشاب آلوده دانست. واقعا که آنقدر بی نزاکتی اخلاقی حتی از دیوانه ای هم دیده نشده است.

### با آخوند کاری ندارد

نوشته است با آخوند کاری ندارد جنگش با خدا و رسول و توده لجنی بنام قرآن است؛ ۷۰ سال در دوران سلطنت شاهان پهلوی هیچکس جنگی با الله و رسول و قرآن نداشت، و همه در پناه شعار خدا- شاه و میهن با سعادت زندگی که هم دین بجای خود و هم حکومت و سیاست جدا از دین نایل شده بودند، پس آنچه که ویرانی و غصب حاکمیت ملی را موجب شده آخوند است و آخوندی که نامرد ردیف یکم با آنها رزمی ندارد.

### شریک تراشی

نامرد ردیف یکم چون میدانسته که ثقل و بدنامی این اظهارات قابل تحمل نیست عده ای شریک هم برای حمایت و تائید تف انداختن به الله تراشیده و نوشته:

>درپی کاروکوشش سی ساله من و دیگر همزمان من مانند کورش آریامنش - آله دالفک - فرود فولادند - رضا فاضلی - شایان کاویانی - منوچهر فرهنگی - مسعود انصاری - شجاع الدین شفا و هوشنگ معین زاده بوده که <.....>

هیچکدام از حضراتی که از آنها بعنوان شاهد و همفکر یاد شده، حتی یکبار بر خدا و پیروان او تف نیانداخته اند؛ آقای شفا و رضافاضلی و مسعود انصاری و کورش آریامنش و معین زاده اسلام را نقد کرده اند کاری که بسیاری از محققین خارجی هم کرده اند ولی فرق است بین نقد و بحث و انتقاد، با تف کردن به خدا و قرآن و محمد، تف کردن کار مردانی کثیف، بی شخصیت و مطرود جامعه است.

تف کردن به خدا و قرآن و محمد، تف کردن به میلیاردها انسان است. تف کردن یعنی حد اکثر تنفر که معمولاً پی آمد آن یک سیلی است عبارت معمول آن چنین است: <تف برویت بی شرم بی حیا و شرف یک سیلی>.

### مقایسه عمل اعراب

اعراب وقتی به ایران تاختند به حکایت مورخین، آنها کتابهای کتابخانه هارا خمیرکردند و یا آتش زدند ولی بر آنها تف نکردند، تف کردن یعنی ابراز تنفرکردن، و خمیرکردن و یا آتش زدن در مفهوم بی نیازی است.

هیچ نوشته و کتابی نیست که باید برای شستن مقعد و پیشاب از اوراق از آن استفاده کرد؛ هر مطلب و نوشته ای قابل توجه و محترم است زیرا فکر و اندیشه است و اندیشه هم از آن انسان هاست؛ حرف و ادعای نادرست را باید رد و اصلاح کرد نه اینکه بر آن تف انداخت و یا بر آن شاشید.

نمیدانم این تف انداختن را این آقای تف انداز، از کی و چه زمانی آموخته و یا تجربه کرده است و الا در تاریخ مبارزات سیاسی ندیدم که کسی در زیر تف سنگر مبارزاتی ساخته باشد.

ممکن است تنها حیوانات باشند که چون فرق بین کتاب و آشغال را نمیدانند بر کتاب بشاشند و الا نشنیده ام که کسی تاکنون بر کتاب تاجه رسد به قرآن شاشیده باشد.

### تف انداختن

تف انداختن بروی کسی حد اکثر تحقیر و نشان دادن غیظ و غضب است که معمولاً مترادف با سیلی و یا یک اقدام عملی برای تثبیت تحقیر و غضب همراه است.

عبارت اینکه فلانی لایق تف کردن هم نیست که در نامه آقای تف انداز به اعلیحضرت نسبت داده شده در ادبیات ما سابقه فرهنگی بدی دارد.

>آب دهان انداختن بروی افراد در فرهنگ ما همواره کاری ناشایست تلقی میشود، تا آنجا که برای تحقیر یک فرد و خرد کردن شخصیت او بر صورت او تف میانداختند و برای اینکه نشان بدهند که یک نفر تاجه حد

خوار و حقیر است میگفتند <فلانی لیاقت آب دهان انداختن را هم ندارد> جامی هم بی‌تی دارد که گویای همین نظریه است میگوید:

تف بر آن طایفه مرده دلان درهوی وهوس افسرده دلان

(از مقاله روزنامه سلامت)

### رضایهلوی را شایسته تف کردن هم نمیدانم

با توضیحاتی که رفت اکنون این تحریر مایل است به این دست‌آورد برسد که چرا آقای تف انداز اعلیحضرت را در حدی حقیر و خوار میدانند که بقول جامی لیاقت آب دهان انداختن را هم ندارد؟

بنابرنوشته و اعلام آقای تف انداز در نامه اش اعلیحضرت در رابطه با شعار ایران وطن ماست، کوروش پدر ماست، ما آریائی هستیم، عرب نمی پرستیم که در تظاهرات اکباتان جریان یافت و اکنش نشان دادند و فرموده اند:

**<اگر قرار باشد اسلام ستیزی کنیم بهتر است، همین که هست بماند>**

این عبارت فلسفی و منطقی و اینکه نماد هویت یک ملتی که آن ملت مسلمان است نمیتواند؛ غیر این بگوید و نمیتواند به زعم آقای تف انداز به خدا و محمد و قرآن تف کند و مردم را به استفاده از اوراق قرآن برای پیشاب تشویق کنند، و اکنش آن آقای تف بی حیا میرسد به آنجا که میگوید: <آزادگان بروی رضا پهلوی تف انداختند>.

هیچ لچاره ای تا چه رسد به مردان آزاده، از درک مفهوم و محظورات اعلیحضرت و سوگند سلطنت غافل نیست که آقای تف انداز آنرا به آزادگان نسبت داده است.

**کدام آزاده ای یا غیر آزاده ای به روی نماد هویت ملی ایران تف انداخته است؟ آقای هومر آبرامیان کذاب نشان بدهید با نام و نشان و یا تصویر، والا نامرد واقعی هستید.**

تنها کسی که دوروبرش ماست همان سرهنگ وزین است که همینجا برایش ایجاد تکلیف میشود که موقعیت خودش را در تسری اظهارات هومر آبرامیان نشان بدهد.

آیا اعلیحضرت باید در چهارچوب قانون اساسی و سوگند سلطنت اظهار نظر بفرمایند و یا برحسب میل و علاقه آقای تف انداز، اظهار نظر بفرمایند (به تحریرات سابق که مفصلاً در این مورد گفتگو شده رجوع شود).



## شاید آقای تف تفتیان

شاید تف اندازیه مصداق ضرب المثل <میان دعوا نرخ تعیین کردن> از موقعیت استفاده کرده و مینویسد <درپی نبرد من و همزمان من بود که درروز بیست ونهم اکتبر امسال نزدیک به یک میلیون تن از جوانان میهن پرست از سراسرکشورپای آرامگاه کوروش گرد آمدند.....>.

نبرد شاید تف اندازکه به آن اشاره کرده چیست؟ خودش درنامه مورد استناد گفته است <من با الله و رسول وتوده لجنی بنام قرآن مبارزه میکنم نه با آخوند. در راستای این مبارزه است که میلیونها تن از هم میهنان مسلمان من به قرآن والله ومحمد تف می اندازند>.

آیا آن مردمی که در تظاهرات اکباتان شرکت کردند به خدا ومحمد وقرآن تف می اندازند ویا نفرت و تعصب آنها نسبت به آخوند های حاکم است؟

## مدعیان قلبی

تا آنجا که اسناد نشان میدهد مدعیان قلبی رهبری تظاهرات اکباتان ۴ نفر بیشتر نبوده اند؛ ولی مدعی پنجمی که همین آقای تف انداز به الله واعلیحضرت است از تافته جدا بافته ای است که از الیاف حماقت و دیوانگی بافته شده است/

ضرب المثلی است که میگویند <کسی میرود درقبرستانی وفریاد میکند که اینها که اینجا خوابیده اند همه نوکران پدر من بوده اند؟ ولی کسی نیست بلند شود بگوید نه> اکنون درمورد تظاهرات اکباتان هم همین ضرب المثل مصداق یافته است.